فصلنامهٔ پژوهش‌های پولی_بانکی
سال هجدهم، شماره ۶۵، پاییز ۱۴۰۴
صفحات ۴۴۳_۴۵۷

مدیریت ریسک اشخاص دارای ریسک سیاسی در نظام مالی ایران: چهارچوب‌ها، چالش‌ها، و راهکارهای بومی

فرشاد حیدری [*]
عباس طلوعی اشلقی [†]
محمدرضا ستایش [‡]
مهدی معدنچی زاج [§]
افسانه زمانی مقدم [**]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۲۵

چکیده

در عصر حاضر، مدیریت ریسک اشخاص دارای ریسک سیاسی (PEPs) به‌عنوان یکی از چالش‌های کلیدی نظام‌های مالی جهانی مطرح است. این مقاله با هدف ارائهٔ چهارچوبی بومی برای مدیریت ریسک اشخاص دارای ریسک سیاسی در نظام مالی ایران، با روش مروری_تحلیلی و با استناد به منابع معتبر بین‌المللی و داخلی، به بررسی ابعاد این موضوع می‌پردازد. این مطالعه نخست مبانی نظری ریسک سیاسی و ویژگی‌های اشخاص دارای ریسک سیاسی را براساس استانداردهای سازمان‌هایی مانند گروه ویژهٔ اقدام مالی (FATF)، کمیتهٔ بال، و سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) تبیین می‌کند؛ سپس، چهارچوب‌های جهانی مدیریت ریسک اشخاص دارای ریسک سیاسی را تحلیل و چالش‌های تطبیق این استانداردها را با ساختار اقتصادی_سیاسی ایران بررسی می‌کند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد مدیریت ریسک اشخاص دارای ریسک سیاسی در ایران با چالش‌های متعددی ازجمله تفاوت تعریف تروریسم و مشروعیت گروه‌های مقاومت از دیدگاه ایران و مجامع بین‌المللی، ضعف فنّاوری‌های

[*] دانشجوی مقطع دکتری، رشته مهندسی مالی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران . farshad.heidari@iau.ac.ir
[†] گروه دانشی مدیریت، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، (نویسنده مسیول)؛ toloie@iau.ac.ir
[‡] گروه دانشی حسابداری، واحد بروجرد، دانشگاه آزاد اسلامی، بروجرد، ایران؛ setayesh_m_r@iau.ac.ir
[§]گروه دانشی مدیریت واحد تهران مرکز ، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران ؛ ma.madanchi@iau.ac.ir
[**] گروه دانشي مدیریت، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران ؛ a.zamanimoghadam@iau.ac.ir

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]
[DOI: 10.61882/jmbr.18.65.443]

نظارتی، پراکندگی مراجع ناظر، و محدودیت‌های ناشی از تحریم‌ها مواجه است. این چالش‌ها به تعارض در اجرای استانداردهای بین‌المللی و کاهش اثربخشی نظام نظارتی منجر شده‌اند. مقالهٔ حاضر با توجه به این چالش‌ها، راهکارهای عملیاتی شامل طراحی نظام شناسایی پیشرفتهٔ مبتنی بر فنّاوری‌های نوین مانند داده‌کاوی و هوش مصنوعی، تدوین رژیم دوگانهٔ تطبیق برای مراودات بین‌المللی، جداسازی حساب‌های گروه‌های مقاومت، و تقویت دیپلماسی حقوقی را پیشنهاد می‌دهد. همچنین، این مطالعه بر ضرورت بازنگری مقررات داخلی، توسعهٔ بانک‌های اطلاعاتی یکپارچه، ارتقای شفافیت مالی، و تقویت هماهنگی بین‌نهادی تأکید دارد. نتایج پژوهش حاکی از آن است که مدیریت مؤثر ریسک اشخاص دارای ریسک سیاسی در ایران مستلزم ترکیبی از راهبردهای فنّاورانه، حقوقی، و سیاسی است که هم‌زمان با الزامات داخلی و چالش‌های بین‌المللی سازگار باشد. در نهایت، مقاله پیشنهادهایی برای تحقیقات آتی ازجمله مدل‌سازی داده‌کاوی رفتار اشخاص دارای ریسک سیاسی، تدوین سازوکارهای حقوقی ویژه، و مطالعات تطبیقی با کشورهای دارای چالش‌های مشابه ارائه می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: اشخاص دارای ریسک سیاسی، بانکداری ایران، گروه ویژهٔ اقدام مالی، مبارزه با پول‌شویی و تامین مالی تروریسم، مدیریت ریسک مالی
طبقه‌بندی JEL: D73، G28، G38، K42

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

[DOI: 10.61882/jmbr.18.65.443]

۱ مقدمه

در عصر جهانی‌شدن اقتصاد و پیچیدگی روزافزون نظام‌های مالی، مدیریت ریسک اشخاص دارای ریسک سیاسی[1] (PEPs) به یکی از چالش‌های اساسی در حوزهٔ حکمرانی مالی تبدیل شده است. این اشخاص به‌دلیل جایگاه سیاسی یا ارتباط نزدیک با مقامات بلندپایه، پتانسیل بالایی برای سوءاستفاده از نظام مالی در راستای اهداف شخصی یا گروهی دارند. مطالعات نشان می‌دهد عدم نظارت مؤثر بر فعالیت‌های مالی این گروه می‌تواند به گسترش فساد ساختاری، کاهش اعتماد عمومی به نظام مالی، و افزایش آسیب‌پذیری اقتصاد ملی در برابر نوسانات بین‌المللی منجر شود (اف‌اِی‌تی‌اف[2]، ۲۰۲۳؛ دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد[3],2021) . در ایران، به‌رغم تصویب قوانین و مقررات متعدد در حوزهٔ مبارزه با پول‌شویی[4] (AML) و تأمین‌مالی تروریسم[5] (CFT)، مدیریت ریسک اشخاص دارای ریسک سیاسی با چالش‌های منحصربه‌فردی مواجه است؛ ازجملهٔ این چالش‌ها می‌توان به تفاوت تعاریف بین‌المللی و داخلی در مورد تروریسم و مشروعیت گروه‌های مقاومت، ضعف فنّاوری‌های نظارتی، پراکندگی مراجع ناظر، و محدودیت‌های ناشی از تحریم‌های بین‌المللی اشاره کرد ((اف‌اِی‌تی‌اف، ۲۰۲۳؛ کمیتهٔ بال[6]، ۲۰۲۱). این عوامل نه‌تنها اثربخشی نظام نظارتی را کاهش داده‌اند، بلکه به تعارض در اجرای استانداردهای جهانی و افزایش ریسک عملیاتی برای نظام مالی ایران منجر شده‌اند. این مقاله با روش مروری‌ـ‌تحلیلی و با استناد به منابع معتبر بین‌المللی و داخلی، به بررسی ابعاد نظری و عملی مدیریت ریسک اشخاص دارای ریسک سیاسی در ایران می‌پردازد. پرسش اصلی پژوهش این است که چگونه می‌توان چهارچوبی بومی برای مدیریت ریسک اشخاص دارای ریسک سیاسی طراحی کرد که هم‌زمان با الزامات داخلی و چالش‌های بین‌المللی سازگار باشد. برای پاسخ به این پرسش، نخست مبانی نظری ریسک سیاسی و ویژگی‌های اشخاص دارای ریسک سیاسی براساس استانداردهای سازمان‌هایی مانند گروه ویژهٔ اقدام مالی[7] (FATF)، کمیتهٔ بال، و سازمان

---

[1] Politically Exposed Persons (PEPs)

[2] FATF

[3] United Nations Office on Drugs and Crime

[4] Anti Money Laundering (AML)

[5] Combating the Financing of Terrorism (CFT)

[6] Basel Committee

[7] Financial Action Task Force

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

[DOI: 10.61882/jmbr.18.65.443]

همکاری اقتصادی و توسعه[1] تبیین می‌شود؛ سپس، چهارچوب‌های جهانی مدیریت ریسک اشخاص دارای ریسک سیاسی تحلیل، و چالش‌های تطبیق این استانداردها با ساختار اقتصادی-سیاسی ایران بررسی می‌شود؛ در ادامه، راهکارهای عملیاتی برای بهبود نظام نظارتی پیشنهاد می‌گردد. این مقاله در ۵ بخش سازمان‌دهی شده است: پس از مقدمه در بخش ۲، مبانی نظری ریسک سیاسی و تعاریف اشخاص دارای ریسک سیاسی بررسی می‌شود؛ بخش ۳ به تحلیل چهارچوب‌های بین‌المللی و چالش‌های بومی‌سازی آن‌ها اختصاص دارد؛ بخش ۴ وضعیت فعلی ایران را در مدیریت ریسک اشخاص دارای ریسک سیاسی تحلیل می‌کند؛ و بخش ۵ راهکارهای پیشنهادی را ارائه می‌دهد؛ در نهایت، نتیجه‌گیری و پیشنهادهایی برای تحقیقات آتی مطرح می‌شود. این پژوهش با ترکیب تحلیل اسنادی و مطالعهٔ تطبیقی، تلاش می‌کند در جهت پرکردن خلأ ادبیات بومی در حوزهٔ مدیریت ریسک اشخاص دارای ریسک سیاسی گامی بردارد و الگویی عملیاتی برای سیاست‌گذاران و نهادهای نظارتی ایران ارائه دهد. امید است یافته‌های این تحقیق بتواند به ارتقای شفافیت مالی و کاهش ریسک‌های سیستماتیک در نظام بانکی کشور کمک کند.

۲ مبانی نظری

۲.۱ مفهوم ریسک و ریسک سیاسی

ریسک در حوزهٔ مالی به احتمال وقوع تأثیرات نامطلوب یا مطلوب بر اهداف اقتصادی ناشی از عدم‌قطعیت‌های آینده اشاره دارد (ژوقیون[2]، ۲۰۰۷؛ ایزو[3]، ۲۰۱۸). در ادبیات معاصر، علاوه بر ریسک‌های سنتی مانند بازار، اعتباری، و عملیاتی، ریسک‌های نوینی همچون ریسک رفتاری، سیستمیک، و فنّاوری نیز جایگاه ویژه‌ای یافته‌اند (جدول ۱؛ کانِمن و تِورسکی[4]، ۱۹۷۹؛ ادرین و برونرمایر[5]، ۲۰۱۶). این تحولات نشان‌دهندهٔ پیچیدگی روزافزون محیط مالی و ضرورت توسعهٔ چهارچوب‌های تحلیلی جامع‌تر برای مدیریت ریسک است. علاوه‌بر این، ظهور فنّاوری‌های نوظهور مانند هوش مصنوعی و بلاکچین، ابعاد جدیدی از ریسک را

[1] Organisation for Economic Co – operation and Development (OECD)
[2] Jorion
[3] ISO
[4] Kahneman & Tversky
[5] Adrian & Brunnermeier

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]
[DOI: 10.61882/jmbr.18.65.443]

به‌همراه آورده است که نیازمند رویکردهای پیشگیرانه و انعطاف‌پذیر است (دیلویت[1]، ۲۰۲۱؛ مجمع جهانی اقتصاد[2]، ۲۰۲۰)؛ برای مثال، ریسک‌های سایبری و نقض حریم خصوصی نه‌تنها بر ثبات مؤسسات مالی تأثیر می‌گذارند، بلکه می‌توانند امنیت کل نظام اقتصادی را تهدید کنند. بنابراین، تلفیق ابزارهای کمّی و کیفی برای ارزیابی و کاهش این ریسک‌ها به یکی از اولویت‌های اصلی سیاست‌گذاران و مدیران مالی تبدیل شده است.

ریسک‌های مالی در نظام بانکی ایران از تنوع و پیچیدگی قابل توجهی برخوردارند که نیازمند مدیریت هوشمندانه و چندبعدی است. ریسک اعتباری، به‌عنوان یکی از پرچالش‌ترین موارد، به‌دلیل وابستگی بانک‌ها به تسهیلات دولتی و نکول مشتریان، همواره ثبات سیستم را تهدید می‌کند. از سوی دیگر، ریسک بازار با حساسیت بالا نسبت به نوسانات ارزی و تحریم‌ها، چالشی ساختاری محسوب می‌شود. ریسک عملیاتی نیز با نقص‌های نظارتی و فرایندی، کارایی نظام بانکی را تحت‌تأثیر قرار داده است. در این میان، ریسک سیاسی با مؤلفه‌هایی مانند فساد، تحریم‌ها، و تغییرات ناگهانی قوانین، به‌عنوان عاملی کلیدی در افزایش نااطمینانی اقتصادی عمل می‌کند. همچنین، ریسک فنّاوری با توجه به ضعف زیرساخت‌های دیجیتال و نبود سیستم‌های هوشمند نظارتی، چالشی نوظهور و رو به رشد است. این تحلیل نشان می‌دهد که مدیریت مؤثر این ریسک‌ها مستلزم ترکیبی از راهکارهای فنّاورانه، اصلاحات ساختاری، و تقویت هماهنگی نهادی است تا بتوان در برابر پیچیدگی‌های محیط مالی داخلی و بین‌المللی مقاومت کرد. در این دسته، ریسک سیاسی به رویدادها و تصمیمات نهادهای حاکمیتی، فساد، تحریم، تغییرات ناگهانی قوانین، یا دخالت مقامات سیاسی اشاره دارد که می‌تواند امنیت مالی و اقتصادی کشور را تهدید کند (هاول[3]، ۲۰۱۴).

[1] Deloitte
[2] World Economic Forum
[3] Howell

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]
[DOI: 10.61882/jmbr.18.65.443]

جدول ۱

مقایسهٔ انواع ریسک‌های کلیدی در نظام مالی

ویژگی کلیدی (در ایران)	نمونه منابع	تعریف	نوع ریسک
پرریسک در بانکداری دولتی	Jorion, 2007	احتمال نکول یا عدم ایفای تعهد	اعتباری
حساس به تحریم و نوسان ارزی	Laudon, 2020	زیان ناشی از تغییر قیمت بازار	بازار
ضعف نظارت داخلی	Basel, 2021	نقص فرایندی/سیستمی/خطای انسانی	عملیاتی
فساد سیاسی، تحریم، تغییر سیاست، قانون	Bremmer, 2009	تهدید ناشی از ناپایداری و فساد	ریسک سیاسی
ضعف دیجیتال، نبود بانک‌دادهٔ هوشمند	Laudon, 2020	تهدید ناشی از فنّاوری نوین	ریسک فنّاوری

۲/۱/۱ تشریح مفاهیم مدیریت ریسک و رویکردهای نوین

مدیریت ریسک زیربنا و رکن اساسی حفظ پایداری و توسعهٔ نظام‌های مالی است. در دهه‌های اخیر، تحول در رویکردها و ابزارهای مدیریت ریسک، نظام‌های مالی را از فاز سنتی ارزیابی ریسک‌های صرفاً اقتصادی خارج، و مفاهیم جدیدی نظیر ریسک رفتاری، ریسک ESG (محیط‌زیست، اجتماعی، حکمرانی)، و حتی ریسک‌های کلان فنّاورانه را وارد ادبیات دانشگاهی و اجرایی کرده است (پاور[1]، ۲۰۰۷؛ الکساندر[2]، ۲۰۲۳). مدیریت ریسک فرایندی سازمان‌یافته و علمی است که در آن شناسایی، ارزیابی، پایش و کنترل انواع عدم‌قطعیت‌های تأثیرگذار بر اهداف سازمان صورت می‌پذیرد (ایزو ۳۱۰۰۰، ۲۰۱۸).

در نظام‌های بانکی، این فرایند اغلب مبتنی بر پنج مؤلفهٔ اصلی زیر تبیین می‌شود:

۱) شناسایی ریسک‌ها: فراگیری و استفاده از تکنیک‌هایی نظیر سناریوپردازی، آنالیز فوریت‌ها، و شناسایی ریسک‌های نوظهور.

۲) اندازه‌گیری و کمّی‌سازی ریسک: بهره‌برداری از مدل‌های پیشرفته مانند ارزش در معرض ریسک[3]، آزمون استرس[4]، شبیه‌سازی مونت کارلو[5] و بهره‌گیری از داده‌های کلان.

---

[1] Power

[2] Alexander

[3] Value at Risk (VaR)

[4] Stress Testing

[5] Monte Carlo Simulation

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

[DOI: 10.61882/jmbr.18.65.443]

۳) پایش مستمر ریسک: ایجاد سامانه‌های نظارتی بلادرنگ و پایش پویا، همراه با ارزیابی مجدد پروفایل ریسک به‌صورت دوره‌ای.
۴) واکنش و مدیریت پاسخ: توسعهٔ راهبردهای متنوع شامل اجتناب، انتقال (تضمین یا بیمه)، کاهش و پذیرش ریسک منطبق با سطح تحمل‌پذیری سازمان.
۵) گزارش‌دهی و حکمرانی: تدوین رویه‌های شفاف گزارشگری به هیئت‌مدیره و نهادهای ذی‌ربط، انطباق با الزامات تنظیم‌گری و مقررات داخلی و بین‌المللی (کمیتهٔ بال، ۲۰۱۹؛ لینزلی و شرایوز[1]، ۲۰۰۶).

در سال‌های اخیر، ریسک‌های سیاسی به‌شدت ا روندهای جهانی‌شدن، تحریم‌ها، تحولات ژئوپلیتیک، و متغیرهای سیاسی–اقتصادی متأثر شده‌اند. مطالعات اخیر تأکید ویژه‌ای بر نقش الگوریتم‌های داده‌کاوی، هوش مصنوعی، و تحلیل ریسک‌های سیستمی دارند که می‌تواند در شناسایی تخلفات و ردیابی منابع ریسک اثربخش باشد (گِلسِرمن و یانگ[2]، ۲۰۶؛ آرنر[3] و همکاران، ۲۰۱۷).

همچنین، مدیریت ریسک سیاسی در کشورهایی نظیر ایران به‌علت شرایط ویژهٔ ژئوپلیتیک، تحریم‌ها، و گرایش‌های تعریف تروریسم و مقاومت، اغلب دارای خصوصیات محلی و منحصربه‌فرد است و صرفاً الگوگیری از استانداردهای بین‌المللی ممکن است کارایی لازم را نداشته باشد (برِمر و کیت[4]، ۲۰۰۹).

۲/۱/۲ چهارچوب‌های نوآورانهٔ مدیریت ریسک و جایگاه PEPs

امروزه، تحول دیجیتال و برنامه‌های حکمرانی داده‌محور موجب ابداع چهارچوب‌هایی نظیر ERM (مدیریت ریسک یکپارچه)، استفاده از بلاکچین برای شفافیت تراکنش‌ها، توسعهٔ سامانه‌های ضدپول‌شویی مبتنی بر هوش مصنوعی، و پیاده‌سازی اتوماسیون فرایند اتوماتیک (RPA) در مدیریت ریسک شده است (دیلویت، ۲۰۲۳).

جایگاه ویژهٔ اشخاص دارای ریسک سیاسی (PEPs) به این علت است که در صورت نبودِ نظارت هوشمند، نه‌تنها بانک یا مؤسسهٔ متخلف با ریسک جریمه و کاهش اعتبار بین‌المللی مواجه می‌شود، بلکه کل نظام مالی کشور در معرض قطع ارتباطات بین‌المللی و دیده‌شدن توسط سازمان‌هایی مانند اف‌اِی‌تی‌اف قرار می‌گیرد (اف‌اِی‌تی‌اف، ۲۰۲۳). در اینجا، نقش

---

[1] Linsley & Shrives
[2] Glasserman & Young
[3] Arner
[4] Bremmer & Keat

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]
[DOI: 10.61882/jmbr.18.65.443]

تحلیل‌های رفتاری، شناسایی ارتباطات سیستمی، و توسعهٔ سامانه‌های شنود و هشدار پیوسته اهمیت مضاعف می‌یابد.

۲/۱/۳ مرور تحولات نوین در مدیریت ریسک

براساس گزارش اخیر مجمع جهانی اقتصاد (۲۰۲۳) و بررسی‌های انجمن مدیریت ریسک[1] (۲۰۲۰)، دوران پساتحریم و تحولات ژئوپلیتیک منطقه‌ای ایجاب می‌کند مدل‌های ارزیابی ریسک نه‌فقط مبتنی بر داده‌های گذشته، بلکه با رویکرد پیش‌بینی رفتار و رویدادهای کم‌احتمال ـ پُراهمیت[2] مبتنی بر تحلیل کلان‌داده طراحی شود. استفاده از مدل‌های یادگیری عمیق در کشف الگوریتم‌های پول‌شویی، تحلیل شبکه‌ای تراکنش‌ها، و بهبود سیستم‌های هشدار خودکار به‌منزلهٔ موج جدید مدیریت ریسک مالی در عصر دیجیتال مطرح است (کینگ و لِوین[3]، ۲۰۲۳).

۲/۲ تعاریف و ویژگی‌های اشخاص دارای ریسک سیاسی

اشخاص دارای ریسک سیاسی به افرادی اطلاق می‌شود که به‌دلیل تصدی مناصب عالی دولتی، موقعیت‌های حاکمیتی، یا ارتباطات نزدیک خانوادگی یا تجاری با مقامات بلندپایه، در معرض سوءاستفاده از نظام‌های مالی و اداری برای تأمین منافع شخصی، گروهی، یا گسترش فساد قرار دارند (افاِی‌تی‌اف، ۲۰۱۳؛ هاول، ۲۰۱۴). این گروه به‌دلیل دسترسی ویژه به منابع و فرایندهای تصمیم‌گیری، پتانسیل بالایی برای نقض قوانین مبارزه با پول‌شویی (AML) و تأمین‌مالی تروریسم (CFT) دارند؛ ازاین‌رو، نیازمند نظارت مضاعف و اعمال سازوکارهای شناسایی پیشرفته مانند شناسایی مضاعف مشتریان[4] (EDD) هستند. تعاریف ارائه‌شده توسط نهادهای معتبری مانند گروه ویژهٔ اقدام مالی (افاِی‌تی‌اف) و پژوهشگرانی چون هاول (۲۰۱۴)، بر اهمیت مدیریت ریسک این افراد در حفظ سلامت نظام مالی و کاهش آسیب‌پذیری‌های اقتصادی ـ سیاسی تأکید می‌کنند. این چهارچوب مفهومی، پایه‌ای اساسی برای طراحی سیاست‌های نظارتی بومی و تطبیق با استانداردهای بین‌المللی محسوب می‌شود.

---

[1] Risk Management Community, Education, and Resources (RIMS)

[2] Black Swan events

[3] King & Levine

[4] Enhanced Due Diligence (EDD)

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

[DOI: 10.61882/jmbr.18.65.443]

۲/۲/۱ مروری مقایسه‌ای بر شاخص‌های جهانی و منطقه‌ای PEPs

مطالعات تطبیقی نشان می‌دهد که برخی کشورها سطح ریسک اشخاص سیاسی را بر پایهٔ جایگاه (پایین‌دست تا عالی‌رتبه)، مدت مسئولیت، حوزهٔ اقتدار، و شبکهٔ ارتباطی آنان به‌شکل پویاتر دسته‌بندی می‌کنند (خارا–برتین[1] و همکاران، ۲۰۲۲؛ شفافیت بین‌الملل[2]، ۲۰۲۳). در مدل‌های پیشرفته، معیارهایی نظیر سابقهٔ حضور در پروژه‌های پرریسک، میزان تعامل با اشخاص پرخطر شناسایی‌شده، و رفتارهای مالی غیرمتعارف (نظیر استفاده از ابزارهای مالی جایگزین و برون‌مرزی) نیز در امتیازدهی ریسک لحاظ می‌شوند (اف‌اِی‌تی‌اف، ۲۰۲۳).

همچنین، ادبیات نوین بر ویژگی‌هایی چون قابلیت تحرک مالی جهانی، قابلیت پنهان‌سازی هویت، و استفاده از شرکت‌های صوری و تراست‌ها[3] (صندوق‌ها و واسطه‌های مالی خصوصی) تأکید بیشتری دارد (زیک‌مان[4]، ۲۰۱۵). این شاخص‌ها باید به تناسب شرایط بومی ــ ازجمله محدودیت‌های تحریم‌ها و ویژگی‌های سیستم نظارتی ایران ــ بازطراحی و به‌کارگیری شوند.

۲/۲/۲ ابزارهای تحلیلی نوین در شناسایی PEPs

فنّاوری‌های نوین، مانند تحلیل شبکه‌ای[5]، امکان رسم گراف ارتباطات اشخاص، بررسی مسیر پول، همبستگی نقل و انتقالات و شناسایی هویت‌های پوششی را فراهم آورده‌اند (لیوای و رویتا[6]، ۲۰۲۲). این ابزارها خصوصاً برای مقابله با «لایه‌بندی‌های پنهان» در پول‌شویی و تراکنش‌های چندلایه برای پوشش مبدأ سرمایه‌ها مفید واقع شده‌اند. این راهکارها به بانک‌های ایرانی امکان می‌دهد حتی باوجود محدودیت در تبادل اطلاعات بین‌المللی، درصدی از شناسایی ریسک‌های ذاتی را بهبود دهند.

۲/۲/۳ شاخص‌ها و ویژگی‌های کلیدی اشخاص دارای ریسک سیاسی

اشخاص دارای ریسک سیاسی (PEPs) با مجموعه‌ای از ویژگی‌های ساختاری و موقعیتی شناسایی می‌شوند که آنان را در معرض بالاترین سطح ریسک مالی و نظارتی قرار می‌دهد. در رأس این ویژگی‌ها، تصدی مناصب حاکمیتی و سیاست‌گذاری کلان قرار دارد که شامل سمت‌هایی مانند وزارت، نمایندگی مجلس، مدیریت نهادهای حساس دولتی، و موقعیت‌های

---

[1] Jara-Bertin
[2] Transparency International
[3] Trust
[4] Zucman
[5] Network Analytics
[6] Levi & Reuter

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]
[DOI: 10.61882/jmbr.18.65.443]

مشابه می‌شود. این دسته از افراد به‌دلیل اختیارات گسترده در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و دسترسی به اطلاعات طبقه‌بندی‌شده، مستعد سوءاستفاده از امکانات دولتی برای منافع شخصی یا گروهی هستند. ویژگی دوم که به توجه ویژه نیاز دارد، شبکهٔ ارتباطات خانوادگی و تجاری این افراد است. در بسیاری از موارد، نزدیکان و بستگان مقامات بلندپایهٔ سیاسی از طریق ایجاد شرکت‌های صوری یا استفاده از روابط خویشاوندی، به منابع مالی و امتیازات ویژه دسترسی پیدا می‌کنند. این شبکه‌های ارتباطی اغلب غیرشفاف عمل می‌کنند و شناسایی آن‌ها را برای نهادهای نظارتی با چالش مواجه می‌سازد. سومین و احتمالاً پیچیده‌ترین ویژگی اشخاص دارای ریسک سیاسی توانایی آنان در تأثیرگذاری بر فرایندهای تخصیص منابع و تصمیم‌گیری‌های کلان اقتصادی است. این تأثیرگذاری می‌تواند مستقیماً از طریق اختیارات قانونی یا به‌شکل غیرمستقیم از طریق نفوذ در نهادهای تصمیم‌گیر اعمال شود. مواردی مانند اعطای مجوزهای ویژه، تصویب طرح‌های اقتصادی پرمنفعت، یا تغییر در مقررات به‌نفع گروه‌های خاص، از مصادیق این ویژگی محسوب می‌شوند. در سطح چهارم، ریسک ذاتی موجود در کلیهٔ تعاملات مالی این افراد قرار دارد که ناشی از ترکیب سه ویژگی پیش‌گفته است. این سطح از ریسک، نظام‌های مالی را ملزم می‌سازد تا مکانیسم‌های نظارتی خاصی ازجمله شناسایی مضاعف مشتریان(EDD) ، پایش مستمر تراکنش‌ها، و ایجاد سامانه‌های هشدار سریع را به‌کارگیرند. تجربه نشان داده است که توجه ناکافی به این الزامات نظارتی می‌تواند به بروز فسادهای مالی گسترده، فرار سرمایه، و تضعیف ثبات نظام اقتصادی بینجامد. پیاده‌سازی چهارچوب‌های نظارتی مؤثر برای مدیریت ریسک اشخاص دارای ریسک سیاسی مستلزم همکاری بین‌نهادی، به‌کارگیری فنّاوری‌های پیشرفته نظیر هوش مصنوعی و یادگیری ماشین برای تحلیل الگوهای رفتاری، و ایجاد بانک‌های اطلاعاتی یکپارچه است. همچنین، آموزش کارکنان مؤسسات مالی و تقویت فرهنگ شفافیت در معاملات، از ارکان اساسی موفقیت در این زمینه محسوب می‌شود. در نهایت، هماهنگی با استانداردهای بین‌المللی و همکاری با نهادهای نظارتی جهانی می‌تواند به افزایش اثربخشی این سازوکارها کمک شایانی نماید.

۲/۲/۴ طبقه‌بندی تخصصی و مدل امتیازدهی ریسک PEPs

در نظام‌های پیشرفته، اشخاص دارای ریسک سیاسی (PEPها) در سه دسته (داخلی، خارجی، خانواده/وابستگان نزدیک) با سطح امتیاز ریسک متفاوت طبقه‌بندی می‌شوند. شاخص‌های تعیین‌کننده معمولاً شامل فراوانی تراکنش‌های بانکی، نوع ارز مورد استفاده (ریال/ارزهای خارجی)، مشارکت در قراردادهای دولتی، و حتی نزدیکی جغرافیایی انتقال

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

[DOI: 10.61882/jmbr.18.65.443]

سرمایه با مناطق تنش‌زاست (موسسه بازل در زمینه حکومتداری[1]، ۲۰۲۲). مدل‌های امتیازدهی[2]، به هر شخص برحسب تخطی از روال عادی، امتیاز ریسک پویا تخصیص می‌دهد و تغییرات رفتار در بازه‌های کوتاه[3] را نیز ردیابی می‌کنند (مک‌کینزی[4]، ۲۰۲۱).

۲/۲/۵ تحلیل تطبیقی تعاریف و رویکردهای نظارتی نسبت به اشخاص دارای ریسک سیاسی

مطالعهٔ تطبیقی معیارهای شناسایی و نظارت بر اشخاص دارای ریسک سیاسی نشان‌دهندهٔ تنوع قابل‌توجهی در رویکردهای نهادهای بین‌المللی است. در سطح جهانی، تعاریف ارائه‌شده توسط نهادهایی مانند گروه ویژهٔ اقدام مالی، کنوانسیون سازمان ملل متحد ضدفساد[5] و اتحادیهٔ اروپا، اگرچه در اصول کلی مشترک‌اند، در جزئیات و دامنهٔ شمول تفاوت‌های معناداری دارند (اف‌اِی‌تی‌اف، ۲۰۱۳، ۲۰۱۴). گروه ویژهٔ اقدام مالی با تمرکز بر رویکرد مبتنی بر ریسک، تعریف گسترده‌تری ارائه می‌دهد که مقامات فعلی و سابق دولتی، اعضای خانواده، و نزدیکان آنان را شامل می‌شود. در مقابل، دستورالعمل اتحادیهٔ اروپا با دقت بیشتری به تعریف بستگان نزدیک پرداخته و روابط کاری و مالی پیچیده را نیز مدنظر قرار می‌دهد. کنوانسیون سازمان ملل متحد ضدفساد نیز با تأکید بر مسئولیت‌های مهم عمومی، چهارچوبی حقوقی برای مبارزه با فساد مقامات ارائه می‌کند. این تفاوت‌های تعریف‌شناختی ناشی از اختلاف در اولویت‌های نظارتی و زمینه‌های سیاسی–اقتصادی هر نهاد است. نکتهٔ حائز اهمیت تفاوت در بازه زمانی نظارت است؛ درحالی‌که برخی استانداردها دورهٔ نظارت را محدود نکرده‌اند، برخی دیگر مانند دستورالعمل اتحادیهٔ اروپا، رویکردی مبتنی بر ارزیابی مستمر ریسک را پیشنهاد می‌کنند. همچنین در حوزهٔ مصادیق، اختلاف‌نظر در مورد شمول مقامات میانی، احزاب سیاسی، و نهادهای نظامی قابل‌توجه است. این تنوع در تعاریف و رویکردها، چالش‌های عملیاتی مهمی برای مؤسسات مالی به‌ویژه در زمینهٔ احراز هویت، پایش مستمر، و گزارش‌دهی ایجاد کرده است. درک این تفاوت‌ها برای طراحی سیستم‌های نظارتی کارآمد، به‌ویژه در کشورهایی مانند ایران که با چالش‌های خاصی در تطبیق با استانداردهای بین‌المللی مواجه هستند، از اهمیت راهبردی برخوردار است. تجربه نشان داده است که

---

[1] Basel Institute on Governance

[2] Scoring Models

[3] Real-time Scoring

[4] McKinsey

[5] United Nations Convention against Corruption (NCAC)

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

[DOI: 10.61882/jmbr.18.65.443]

موفقیت در مدیریت ریسک اشخاص دارای ریسک سیاسی مستلزم ترکیبی از پایبندی به اصول جهانی و انعطاف‌پذیری در تطبیق با شرایط بومی است.

جدول ۲

مقایسهٔ تعاریف مربوط به اشخاص دارای ریسک سیاسی

ابعاد	معاهدهٔ مبارزه با فساد سازمان ملل متحد	گروه ویژهٔ اقدام مالی	بخشنامهٔ سوم اتحادیهٔ اروپا
تعریف	افرادی که عهده‌دار مسئولیت مهم عمومی بوده یا هستند و اعضای خانواده و بستگان آن‌ها.	افرادی که در کشوری خارجی عهده‌دار مسئولیت مهم عمومی بوده یا هستند. روابط کاری با اعضای خانواده یا بستگان نزدیک اشخاص دارای ریسک سیاسی دربردارندهٔ ریسک‌های اعتباری مشابه ریسک‌های خود اشخاص دارای ریسک سیاسی هستند.	اشخاص حقیقی که عهده‌دار مسئولیت مهم عمومی بوده یا هستند و اعضای اصلی خانواده یا اشخاصی که به‌عنوان بستگان نزدیک چنین اشخاصی شناخته می‌شوند.
فرایند شناسایی کافی مشتریان که برای اشخاص خارجی یا داخلی دارای ریسک سیاسی لازم است.	خارجی و داخلی (تصریح نشده است)	فقط خارجی	فقط خارجی
بازه زمانی که بعد از آن، هیچ‌گونه الزامی برای اینکه شخص دارای ریسک سیاسی همچنان دارای ریسک سیاسی تلقی شود، وجود ندارد.	مشخص نشده است	مشخص نشده است	یک سال، براساس روش مبتنی بر ریسک
اعضای خانواده	مشخص نشده است	مشخص نشده است	«اعضای اصلی خانواده» باید شامل افراد زیر باشند: الف- همسر ب- هر شریک زندگی که براساس قوانین داخلی معادل همسر در نظر گرفته شود. ج- فرزندان و همسران یا شریک‌های زندگی آن‌ها د- والدین
بستگان نزدیک	«اشخاص یا شرکت‌هایی که ارتباط روشنی با افراد عهده‌دار مسئولیت‌های مهم عمومی داشته‌اند.»	مشخص نشده است	«بستگان نزدیک» باید شامل افراد زیر باشند: الف- هر شخص حقیقی که به داشتن مالکیت منافع مشترک نهادهای حقوقی یا ترتیبات حقوقی یا هرگونه روابط کاری نزدیک دیگر با شخص دارای ریسک سیاسی شناخته می‌شود.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

[DOI: 10.61882/jmbr.18.65.443]

			ب- هر شخص حقیقی که تنها دارندهٔ مالکیت منافع نهادی حقوقی یا ترتیبات حقوقی که به نفع شخص دارای ریسک سیاسی تعیین شده‌اند.
سران کشورها	مشخص نشده است	سران کشورها	سران کشورها
سران دولت‌ها	مشخص نشده است	سران دولت‌ها	سران دولت‌ها
وزرا و اعضای پارلمان	مشخص نشده است	خیر، اما شامل «سیاستمداران ارشد» و «مقامات ارشد دولت» می‌شود.	وزرا، معاونان، یا دستیاران وزرا، اعضای پارلمان
احزاب سیاسی	مشخص نشده است	مقامات احزاب سیاسی مهم	مشخص نشده است
حوزهٔ قضایی	مشخص نشده است	مقامات قضایی	اعضای دادگاه‌های عالی، دادگاه‌های قانون اساسی، یا اعضای سایر دستگاه‌های عالی قضایی که تصمیمات آن‌ها به‌جز در شرایط استثنائی در معرض استیناف بیشتر قرار ندارند.
حوزهٔ نظامی	مشخص نشده است	مقامات نظامی	افسران رده بالای نیروهای مسلح
شرکت‌های دولتی	مشخص نشده است	مدیران اجرایی ارشد شرکت‌های دولتی	اعضای واحدهای اجرایی، مدیریت یا نظارتی شرکت‌های دولتی
نمایندگان سیاسی	مشخص نشده است	مشخص نشده است	سفیران، معاونان سفرا
هیئت‌عالی و هیئت‌عامل بانک مرکزی	مشخص نشده است	مشخص نشده است	اعضای دادگاه‌ها، حسابرسان، هیئت‌عالی و هیئت‌عامل بانک مرکزی
موارد استثنا	عدم وجود موارد استثنای صریح	افراد رده میانی یا پایین‌تر	مقامات رده میانی یا پایین‌تر

۲/۲/۶ اهمیت بومی‌سازی و طراحی سیاست دوگانهٔ نظارتی

واکاوی تجربهٔ کشورهای تحت تحریم نظیر روسیه و ونزوئلا نشان می‌دهد که چالش‌های عمده در پیاده‌سازی قواعد بین‌المللی در حوزهٔ مبارزه با پول‌شویی و مدیریت ریسک اشخاص دارای ریسک سیاسی، بیش از هرچیز متأثر از تفاوت‌های ساختاری، سیاسی، و اقتصادی این کشورها با فضای حقوقی و نظارتی جهانی است. در چنین شرایطی، نه‌تنها پیروی ساده از استانداردهای بین‌المللی کارآمد نیست، بلکه حتی ممکن است موجب اختلال در فرایندهای داخلی و کاهش اثربخشی سیستم‌های کنترل شود. ازاین‌رو، این کشورها به‌سوی بومی‌سازی سیاست‌ها و تدوین قواعد منطبق با واقعیت‌های داخلی گام برداشته‌اند. ایجاد یا محیط

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

[DOI: 10.61882/jmbr.18.65.443]

آزمونگری تنظیم‌گری[1]، بستر ارزشمندی برای ارزیابی عملی و تدریجی راهکارهای نظارتی نوین فراهم می‌کند و به نهادهای نظارتی اجازه می‌دهد پیامدهای اجرایی سیاست‌های جدید را پیش از تعمیم سراسری، در یک محیط کنترل‌شده و امن مورد آزمون قرار دهند (بانک جهانی[2]، ۲۰۲۳).

در ایران نیز با توجه به وضعیت خاص ژئوپلیتیکی، تحریم‌های گسترده، و تفاوت دیدگاه‌های حقوقی نسبت به مفاهیمی مانند تروریسم و مقاومت، استقرار مدل‌های بومی‌شده اجتناب‌ناپذیر است. یکی از الزامات اصلی موفقیت این روند، اتکای سیاست نظارتی بر سامانه‌های داده‌محور و ابزارهای نوین تحلیل ریسک است. این سامانه‌ها با جمع‌آوری، تحلیل، و پالایش داده‌های مالی، امکان ارائهٔ گزارش‌های دقیق و مبتنی بر شواهد را برای مقاصد دفاع حقوقی و پاسخ به نهادهای بالادستی ملی و بین‌المللی فراهم می‌سازند (دیلویت، ۲۰۲۴). طراحی گزارش‌های تخصصی به زبان فنی، تأکید بر شفافیت داده‌ای و قابلیت ردگیری تراکنش‌ها، می‌تواند ضمن افزایش مشروعیت اقدامات داخلی، قدرت دفاعی کشور را در مواجهه با پرسشگری‌های اف‌اِی‌تی‌اف و نهادهای مشابه نیز ارتقا بخشد.

بومی‌سازی موفق همچنین بدون همکاری بین‌نهادی و تعامل فعال با بازیگران بیرونی ممکن نیست. تجربهٔ کشورهایی مانند روسیه نشان داده است که انتخاب نمایندگان رابط برای ارتباط مستمر با اف‌اِی‌تی‌اف و نهادهای همتراز، برگزاری جلسات منظم بخش خصوصی و دولتی، و حتی دیپلماسی منطقه‌ای با سایر کشورهای مواجه با تحریم یا همسو، می‌تواند جبههٔ ملی را برای دفاع از چهارچوب‌های بومی شکل دهد. از طرفی، بهره‌گیری از ظرفیت‌های نوآوری مالی، به‌ویژه فنّاوری رمزارزها و هوش مصنوعی، نه‌تنها موجب افزایش مرجعیت و امنیت سیستم‌های مالی می‌شود، بلکه فضای مانور برای هماهنگی مقرراتی در سطح داخلی و فرامرزی را گسترش می‌دهد. بهره‌مندی از این فنّاوری‌ها، امکان دورزدن محدودیت‌های ناشی از تحریم، بهبود قابلیت ردیابی تراکنش‌ها، و ارتقای شفافیت مالی را حتی در محیط‌های پرفشار نظارتی فراهم می‌کند (دیلویت، ۲۰۲۴).

در نهایت، تدوین سیاست دوگانهٔ نظارتی باید ماهیتی منعطف داشته باشد؛ بدین معنی که به بانک‌ها، مؤسسات مالی، و ناظران و مقررات‌گذاران این فرصت را بدهد که هم الزامات بین‌المللی ــ در حد امکان و مقتضی ــ را رعایت کنند و هم بر حفظ ملاحظات بومی و الزامات قانونی داخلی پایبند باقی بمانند. ایجاد زیرساخت‌های مشترک داده‌ای، توسعهٔ

[1] Regulatory Sandbox
[2] World Bank

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]
[DOI: 10.61882/jmbr.18.65.443]

سندباکس‌های نظارتی برای آزمودن نوآوری‌های قانونی و فنی، و تلاش برای تبیین مواضع ایران در مجامع بین‌المللی، بخش جدایی‌ناپذیر این راهبرد خواهد بود. چنین سیاستی می‌تواند ضمن حفظ استقلال سیاست‌گذاری، زمینهٔ ارتقای اعتبار و اعتماد بین‌المللی نظام مالی را نیز فراهم کند (بانک جهانی، ۲۰۲۳؛ دیلویت، ۲۰۲۴).

۳ تحلیل چهارچوب‌ها و استانداردهای بین‌المللی مبارزه با پول‌شویی و تروریسم مرتبط با اشخاص دارای ریسک سیاسی

۱.۳ مرور اسناد و رهنمودهای بین‌المللی

در بستر جهانی مبارزه با پول‌شویی، تأمین‌مالی تروریسم، و مدیریت ریسک اشخاص دارای ریسک سیاسی، طیف گسترده‌ای از اسناد و رهنمودهای بین‌المللی منتشر شده است؛ مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

الف- گروه ویژهٔ اقدام مالی

گروه ویژهٔ اقدام مالی، به‌عنوان مرجع جهانی استانداردسازی در حوزهٔ مبارزه با پول‌شویی و تأمین‌مالی تروریسم، در توصیه‌های ۱۲ و ۲۲ خود نظامی جامع برای مدیریت ریسک اشخاص دارای ریسک سیاسی تدوین کرده است. این چهارچوب با دقت نظری بالا و رویکردی مبتنی بر ارزیابی ریسک، مؤسسات مالی را به اجرای فرایندهای احراز هویت مضاعف برای همهٔ طبقات اشخاص دارای ریسک سیاسی (داخلی و بین‌المللی) ملزم می‌کند. از منظر نظری، این استانداردها مبتنی بر سه اصل کلیدی است:

۱- استقلال از ملاحظات جغرافیایی-سیاسی؛
۲- پایش مستمر تراکنش‌ها؛ و
۳- طبقه‌بندی پویای سطح ریسک.

مطالعات تجربی نشان می‌دهد اجرای این استانداردها در کشورهای درحال توسعه با چالش‌های ساختاری متعددی ازجمله ضعف زیرساخت‌های نظارتی، محدودیت دسترسی به فنّاوری‌های پیشرفته، و تعارضات حقوقی-سیاسی مواجه است (اف‌اِی‌تی‌اف، ۲۰۲۳)؛ اما پژوهش‌های صورت‌گرفته در ایران حاکی از آن است که تطبیق این استانداردها با شرایط بومی نیازمند بازنگری در سازوکارهای اجرایی و توسعهٔ ظرفیت‌های نهادی است.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]
[DOI: 10.61882/jmbr.18.65.443]

ب- کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه فساد و کنوانسیون پالرمو[1]

کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه فساد[2]، ۲۰۰۳ و کنوانسیون پالرمو[3]، ۲۰۰۰ از منظر حقوق بین‌الملل، چهارچوبی الزام‌آور برای مقابلهٔ نظام‌مند با فساد مالی مقامات عالی‌رتبه ارائه می‌دهند. مادهٔ ۵۲ کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه فساد با رویکردی پیشگیرانه، سازوکارهای دقیقی برای شناسایی و نظارت بر دارایی‌های مقامات سیاسی طراحی کرده است. از دیدگاه نظری حکمرانی خوب، این کنوانسیون‌ها بر سه محور شفافیت مالی، پاسخ‌گویی، و حاکمیت قانون استوارند. باید توجه داشت که اثربخشی این اسناد به عواملی همچون سطح توسعهٔ نهادی، استقلال قضایی، و ظرفیت نظارتی کشورهای عضو وابسته است. در مورد ایران، اگرچه الحاق به این کنوانسیون‌ها صورت گرفته، اجرای کامل مفاد آن با موانع ساختاری ازجمله تفاسیر متفاوت با مفاهیم کلیدی مانند فساد مالی و دارایی‌های نامشروع مواجه بوده است. این چالش‌ها لزوم بازنگری در نظام حقوقی داخلی و تقویت همکاری‌های بین‌المللی را بیش از پیش آشکار می‌سازد.

ج- رهنمودهای کمیتهٔ بال

کمیتهٔ بال[4] با اتکا به چهارچوب نظری جامع و مبتنی بر شواهد تجربی، نظامی چندبعدی[5] برای مدیریت ریسک اشخاص دارای ریسک سیاسی طراحی کرده است. این نظام بر چهار ستون اصلی سازوکارهای شناسایی پویا و مبتنی بر فنّاوری‌های دیجیتال، برنامه‌های آموزشی تخصصی برای کارکنان مؤسسات مالی، توسعهٔ سامانه‌های هوشمند نظارتی، و تقویت نقش راهبری هیئت‌مدیره استوار است. از منظر نظریهٔ مدیریت ریسک، این چهارچوب ترکیبی از رویکردهای کمّی (مانند مدل‌سازی ریسک) و کیفی (مانند ارزیابی رفتاری) را به‌کار گرفته است. اجرای این استانداردها در نظام بانکی ایران مستلزم سرمایه‌گذاری کلان در حوزهٔ فنّاوری اطلاعات، توسعهٔ منابع انسانی متخصص، و اصلاح ساختارهای حکمرانی شرکتی است. همچنین، مطالعات نشان می‌دهد که چالش‌های خاصی مانند تحریم‌های بین‌المللی و محدودیت دسترسی به سامانه‌های جهانی، پیاده‌سازی کامل این استانداردها را با دشواری مواجه ساخته است.

---

[1] United Nations Convention against Transnational Organized Crime (Palermo)

[2] UNCAC

[3] UNTOC

[4] Basel Committee

[5] Risk-Based Approach (RBA)

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

[DOI: 10.61882/jmbr.18.65.443]

دـ اسناد سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، بانک جهانی، و صندوق بین المللی پول

سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، بانک جهانی، و صندوق بین‌المللی پول[1] با اتکا به پژوهش‌های گسترده و شواهد تجربی، چهارچوبی علمی برای ارتقای شفافیت مالی و مبارزه با فساد طراحی کرده‌اند. این چهارچوبِ سه‌سطحی سیاست‌گذاری کلان (تدوین قوانین شفافیت مالی)، سطح میانی (ایجاد نهادهای نظارتی مستقل)، و سطح خرد (اجرای سازوکارهای نظارتی در مؤسسات مالی) را شامل می‌شود. از دیدگاه نظریِ نهادگرایی، موفقیت این استانداردها وابسته به وجود نهادهای قوی، فرهنگ سازمانی شفاف، و حاکمیت قانون است. داده‌های تجربی حاکی از آن است که کشورهایی که این استانداردها را به‌صورت نظام‌مند اجرا کرده‌اند، شاهد کاهش معنادار در شاخص‌های فساد مالی بوده‌اند. در خصوص ایران، اگرچه گام‌هایی در جهت اجرای این استانداردها برداشته شده، چالش‌هایی مانند پراکندگی نهادهای نظارتی، ضعف هماهنگی بین‌سازمانی، و محدودیت‌های فنّاورانه، دستیابی به نتایج مطلوب را با مشکل مواجه ساخته است. این یافته‌ها بر لزوم اتخاذ راهبردهای یکپارچه و همه‌جانبه در حوزهٔ حکمرانی مالی تأکید می‌کند.

۲.۳ نقش بانک‌های داده‌ای

وجود بانک‌های داده‌ای جامع، یکپارچه، و به‌روز، زیرساخت اساسی نظام مدیریت ریسکِ اشخاص دارای ریسک سیاسی شناخته می‌شود که عملکرد آن بر سه محور کلیدی استوار است: نخست، این بانک‌های اطلاعاتی با گردآوری و پردازش داده‌های چندبعدی (شامل اطلاعات هویتی، شبکهٔ ارتباطات، سوابق تراکنش‌های مالی، و پرونده‌های قضایی)، امکان شناسایی دقیق و بموقع افراد پرریسک را فراهم می‌کنند؛ دوم، سیستم‌های هوشمند تحلیل داده که بر پایهٔ الگوریتم‌های یادگیری ماشین و هوش مصنوعی طراحی شده‌اند، قادرند الگوهای رفتاری مشکوک و شبکه‌های پنهان فساد را شناسایی کنند؛ سوم، یکپارچه‌سازی این بانک‌های اطلاعاتی با سامانه‌های نظارتی ملی و بین‌المللی، امکان ردگیری فرامرزی جریان‌های مالی مشکوک را ممکن می‌سازد (کمیتهٔ بال، ۲۰۲۱). مطالعات تطبیقی نشان می‌دهد که کشورهای پیشرفته با سرمایه‌گذاری در توسعهٔ بانک‌های اطلاعاتی پویا[2]، که به‌صورت لحظه‌ای به‌روزرسانی می‌شوند، موفقیت قابل توجهی در پیشگیری از سوءاستفادهٔ مقامات از نظام مالی کسب کرده‌اند. در مقابل، تجربهٔ ایران حاکی از چالش‌های ساختاری

[1] International Monetary Fund (IMF)

[2] Dynamic PEP Databases

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

[DOI: 10.61882/jmbr.18.65.443]

متعددی ازجمله پراکندگی داده‌ها، عدم یکپارچگی سامانه‌های اطلاعاتی، محدودیت‌های فنّاورانهٔ ناشی از تحریم‌ها، و ضعف در هماهنگی بین‌نهادی است که کارایی نظام نظارتی را به‌شدت تحت‌تأثیر قرار داده است. راهکار اساسی در این زمینه طراحی معماری جامع اطلاعاتی مبتنی بر فنّاوری‌های نوین، ایجاد سازوکارهای حقوقی برای اشتراک‌گذاری امن داده‌ها بین نهادهای مختلف، و توسعهٔ ظرفیت‌های تحلیلی نهادهای نظارتی است. این امر مستلزم عزم ملی و سرمایه‌گذاری کلان در حوزهٔ زیرساخت‌های دیجیتال و تربیت نیروی انسانی متخصص است.

۳.۳ چالش‌ها و بومی‌سازی استانداردها در ایران

الف ـ چالش‌های حقوقی و ساختاری

چالش‌های حقوقی و ساختاری در تطبیق استانداردهای بین‌المللی با نظام حقوقی ایران دارای ابعاد پیچیده و چندلایه‌ای است که در تفاوت‌های بنیادین پارادایمی و گفتمانی میان ایران و نهادهای بین‌المللی ریشه دارد. در کانون این چالش‌ها، مسئلهٔ تعریف تروریسم قرار دارد که به‌صورت یک شکاف هنجاری عمیق خود را نشان می‌دهد. از یک‌سو، نظام حقوقی ایران با اتکا به اصول قانون اساسی و سیاست‌های کلان کشور، بسیاری از گروه‌های مقاومت را تحت عنوان نیروهای آزادی‌بخش مشروع به رسمیت می‌شناسد؛ درحالی‌که همین نهادها از دیدگاه نهادهای بین‌المللی مانند گروه ویژهٔ اقدام مالی و دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل، در زمرهٔ گروه‌های تروریستی طبقه‌بندی می‌شوند. این تعارض تعریف‌شناختی به ایجاد نوعی دوگانگی نظارتی در نظام بانکی کشور منجر شده است که پیامدهای آن را می‌توان در سه سطح تحلیل کرد: در سطح اول، این تعارض باعث ایجاد چالش در شناسایی مصادیق اشخاص دارای ریسک سیاسی شده است. بررسی اسناد نشان می‌دهد افرادی که از دید استانداردهای بین‌المللی مشمول نظارت مضاعف هستند، ممکن است در چهارچوب حقوقی ایران مشمول این الزامات نباشند و بالعکس. این وضعیت نظام نظارتی کشور را با نوعی ابهام ساختاری مواجه کرده است. در سطح دوم، این تعارض به ایجاد تنش میان الزامات شورای عالی امنیت ملی و استانداردهای گروه ویژهٔ اقدام مالی منجر شده که پیامد مستقیم آن ایجاد اختلال در تعاملات مالی بین‌المللی و کاهش اعتبار نظام بانکی کشور در عرصهٔ جهانی است. مطالعات نشان می‌دهد این وضعیت به‌ویژه در مورد دسترسی به سامانهٔ سوئیفت[1] و دیگر ابزارهای پرداخت بین‌المللی آثار مخربی داشته است. در سطح سوم، این چالش به محدودیت

[1] Society for Worldwide Interbank Financial Telecommunication (SWIFT)

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

[DOI: 10.61882/jmbr.18.65.443]

در همکاری‌های اطلاعاتی با نهادهای بین‌المللی و محرومیت از شبکه‌های نظارتی جهانی منجر شده که خود باعث کاهش اثربخشی مکانیسم‌های مبارزه با پول‌شویی در سطح ملی شده است. این وضعیت از دیدگاه نظریهٔ روابط بین‌الملل، نمونهٔ بارزی از تعارض حاکمیت ملی با هنجارهای جهانی است که راهکار برون‌رفت از آن نیازمند بازتعریف هوشمندانهٔ موازین حقوقی و اتخاذ راهبردهای دیپلماتیک کارآمد است.

- ابهام در دامنهٔ شمول

مشکل ابهام در دامنهٔ شمول اشخاص دارای ریسک سیاسی در ایران ابعاد چندلایه‌ای دارد که نیازمند بررسی دقیق است. در سطح اول، این چالش ناشی از نبودِ تعریف عملیاتی دقیق و مورد اجماع از اشخاص دارای ریسک سیاسی در اسناد بالادستی است. بررسی تطبیقی نشان می‌دهد درحالی‌که استانداردهای بین‌المللی (مانند دستورالعمل‌های گروه ویژهٔ اقدام مالی) فهرست نسبتاً جامعی از مصادیق اشخاص دارای ریسک سیاسی ارائه می‌دهند، در نظام حقوقی ایران این تعاریف دچار پراکندگی و عدم شفافیت‌اند. در سطح دوم، مشکل تفسیرپذیری گستردهٔ مفاهیم وجود دارد که به رویه‌های متفاوت در نهادهای مختلف منجر شده است. مطالعات میدانی نشان می‌دهد این وضعیت به‌ویژه در مورد اشخاص مرتبط با نهادهای نظامی و امنیتی تشدید می‌شود. در سطح سوم، نبودِ مکانیسم‌های شفاف برای به‌روزرسانی فهرست اشخاص دارای ریسک سیاسی مشکل را پیچیده‌تر کرده است. این چالش‌ها در مجموع کارایی نظام نظارتی را به‌شدت تحت‌تأثیر قرار داده و فضایی برای تفسیرهای سلیقه‌ای ایجاد کرده‌اند. در واقع، تعریف اجرایی/مصداقی کامل و شفاف برای اشخاص دارای ریسک سیاسی در ایران معطل تدوین استاندارد نهایی واحد اطلاعات مالی است که چالش انسجام اجرای کنوانسیون مبارزه با تأمین‌مالی تروریسم و استانداردهای مبارزه با پول‌شویی را دوچندان می‌کند ((واحد اطلاعات مالی[1]، ۲۰۲۳؛ گروه ویژه اقدام مالی[2]، ۲۰۲۳).

- تعدد و تغییرات مقرراتی

مسئلهٔ تعدد و تغییرات مکرر مقررات خصوصاً در حوزهٔ مبارزه با پول‌شویی و تأمین‌مالی تروریسم را می‌توان از چند منظر حقوقی، اقتصادی، و سیستمی تحلیل کرد. از دیدگاه حقوق عمومی، این چالش عمدتاً ناشی از نبودِ چهارچوب جامع و یکپارچه در حکمرانی مقرراتی است. بررسی اسناد حقوقی نشان می‌دهد مقررات این حوزه عمدتاً به‌صورت پراکنده و گاه

[1] FIU
[2] FATF

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]
[DOI: 10.61882/jmbr.18.65.443]

متناقض در قوانین مختلف ازجمله قانون مبارزه با پول‌شویی، قانون مقررات مالی بانکی، و آیین‌نامه‌های اجرایی متعدد تصویب شده‌اند (شورای عالی مبارزه با پول‌شویی، ۱۳۹۸؛ به نقل از کمیتهٔ بال، ۲۰۲۱). این وضعیت از منظر حقوقی به ایجاد نوعی تعارض هنجاری منجر شده که کارایی نظام حقوقی را تحت‌تأثیر قرار داده است. از منظر نظریهٔ سیستم‌های پیچیده، نظام مقرراتی ایران در این حوزه از الگوی واکنشی و فاقد پیوستار منطقی تبعیت می‌کند. بررسی سیر تاریخی مقررات نشان می‌دهد که تغییرات عمدتاً در پاسخ به فشارهای خارجی مانند لیست سیاه گروه ویژهٔ اقدام مالی و بدون پشتوانهٔ مطالعات راهبردی کافی صورت گرفته‌اند. این رویکرد به ایجاد نوعی آشفتگی مقرراتی منجر شده که ویژگی‌های اصلی آن عبارت است از ناهماهنگی ذاتی بین مقررات جدید و قدیم، تداخل صلاحیت‌های نهادهای نظارتی، و افزایش تصاعدی هزینه‌های انطباق برای مؤسسات مالی از دیدگاه حقوق اداری نیز این وضعیت مستلزم ایجاد یکپارچگی حکمرانی مقرراتی است که بر سه محور ایجاد مرجع واحد برای تدوین و نظارت بر مقررات این حوزه، استقرار نظام ارزیابی تأثیرات مقرراتی به‌منظور سنجش کارایی مقررات، و ایجاد سازوکارهای نظارتی مستمر برای پایش اجرای مقررات استوار است. تجربهٔ کشورهای موفق نشان می‌دهد که تحقق این امر مستلزم اصلاح قانون پایهٔ مبارزه با پول‌شویی به‌عنوان چهارچوب جامع و مادر است که بتواند انسجام لازم را بین کلیهٔ مقررات جزئی‌تر ایجاد کند. باید به این نکته توجه داشت که این ناپایداری مقرراتی موجب کاهش پیش‌بینی‌پذیری محیط کسب‌وکار و تضعیف اعتماد بخش خصوصی به نظام نظارتی شده است. از منظر اقتصادی نیز، این وضعیت مصداق بارز شکست نهادی محسوب می‌شود که رفع آن مستلزم اتخاذ رویکردی نظام‌مند و مبتنی بر برنامه‌ریزی بلندمدت است. راهکار اساسی در این زمینه استقرار حکمرانی یکپارچهٔ مقرراتی است که بتواند هماهنگی لازم بین نهادهای قانون‌گذار، مجری، و ناظر را ایجاد کند. این امر علاوه بر افزایش کارایی مقررات، می‌تواند به ارتقای جایگاه ایران در شاخص‌های بین‌المللی مبارزه با پول‌شویی نیز کمک شایانی کند.

- اختلاف رویهٔ گزارش‌دهی

مشکل اختلاف در رویه‌های گزارش‌دهی را می‌توان از چند منظر تحلیل کرد: در سطح فنی، این چالش ناشی از تفاوت در تعریف معیارهای شناسایی رفتارهای پرریسک و آستانه‌های گزارشگری است. شواهد پژوهشی نشان می‌دهد که استانداردهای گزارش‌دهی در ایران از نظر دامنهٔ شمول، دورهٔ زمانی گزارش‌دهی، و سطح جزئیات موردنیاز با استانداردهای بین‌المللی فاصله دارد. در سطح نهادی، مشکل به پراکندگی مراجع نظارتی و نبودِ سازوکارهای یکپارچه برای جمع‌آوری و پردازش اطلاعات بازمی‌گردد. در سطح بین‌المللی، این اختلافات به ایجاد

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

[DOI: 10.61882/jmbr.18.65.443]

نوعی شکاف اطلاعاتی منجر شده که همکاری‌های فرامرزی را با مشکل مواجه کرده است (OECD، ۲۰۱۸). از دیدگاه نظریهٔ حکمرانی، این وضعیت نشان‌دهندهٔ ضعف در هماهنگی بین‌سازمانی است که حل آن مستلزم ایجاد نهادهای فرابخشی و توسعهٔ سیستم‌های اطلاعاتی یکپارچه است. تجربهٔ کشورهای موفق نشان می‌دهد که رفع این چالش‌ها مستلزم سرمایه‌گذاری کلان در توسعهٔ فنّاوری‌های اطلاعاتی و تربیت نیروی انسانی متخصص است.

ب- چالش‌های اجرایی و نهادی

چالش‌های اجرایی و نهادی موجود ایران را می‌توان به‌عنوان موانع ساختاریِ پیش روی تحقق استانداردهای بین‌المللی بررسی کرد. در سطح زیرساختی، فقدان سامانهٔ یکپارچهٔ اطلاعاتی کارآمد و قوی و محدودیت‌های فنّاورانه، چالش‌های بنیادینی ایجاد کرده‌اند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که نظام بانکی ایران با کمبود سامانه‌های پیشرفتهٔ غربالگری و تحلیل تراکنش‌ها مواجه است که این امر به افزایش نرخ خطا در شناسایی معاملات مشکوک و کاهش کارایی سازوکارهای نظارتی منجر شده است. از دیدگاه نظریهٔ حکمرانی دیجیتال، این ضعفِ زیرساختی امکان تحقق نظارت مستمر و هوشمند را محدود ساخته و ریسک دورزدن کنترل‌ها توسط بازیگران فرصت‌طلب را به میزان قابل توجهی افزایش داده است. در بعد نیروی انسانی، مطالعات میدانی نشان‌دهندهٔ نقصان جدی در نظام آموزش تخصصی و فرهنگ‌سازی مؤثر است. پژوهش‌های انجام‌شده حاکی از آن است که ضعف در برنامه‌ریزی آموزشی و نبود دوره‌های تخصصی متناسب با نیازهای روز، به کاهش حساسیت کارشناسان بانکی نسبت به نشانه‌های پول‌شویی منجر شده است (آلبرشت[1] و همکاران، ۲۰۱۵). این مسئله از منظر نظریهٔ سرمایهٔ انسانی، نوعی شکاف مهارتی محسوب می‌شود که مستلزم بازنگری اساسی در محتوای آموزشی و روش‌های انتقال دانش است. پیچیده‌ترین چالش در این حوزه مسئلهٔ نفوذ سیاسی و فشارهای نهادهای قدرت بر فرایندهای نظارتی است (میلز[2]، ۱۹۵۶؛ رز-آکرمن[3]، ۱۹۹۹). این‌گونه مداخلات به ایجاد نوعی استثنائات ساختاری در اجرای مقررات منجر می‌شود. در شرایط ایران، این پدیده خود را در قالب معافیت‌های غیررسمی برای برخی نهادهای خاص و کاهش عمدی سختگیری‌های نظارتی نشان می‌دهد. از دیدگاه جامعه‌شناسی سازمانی، این وضعیت بیانگر وجود نوعی قانون‌گریزی نخبگان است که کارایی کلی نظام مبارزه با پول‌شویی را به‌شدت تضعیف می‌کند. راهکار برون‌رفت از این چالش‌ها مستلزم اتخاذ رویکردی چندبعدی است که سرمایه‌گذاری کلان در توسعهٔ زیرساخت‌های

[1] Albrecht
[2] Mills
[3] Rose-Ackerman

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]
[DOI: 10.61882/jmbr.18.65.443]

دیجیتال و سامانه‌های هوشمند نظارتی، طراحی نظام جامع آموزش تخصصی با تأکید بر مطالعات موردی و شبیه‌سازی‌های عملی، و تقویت استقلال نهادهای نظارتی از طریق اصلاحات ساختاری و تضمین حفاظت قانونی از کارشناسان را شامل می‌شود.

ج- ملاحظات ملی و بین‌المللی

- تأثیر تحریم

تحریم‌های بین‌المللی آثار عمیق و چندلایه‌ای بر توانایی ایران در اجرای استانداردهای یادشده داشته است. از منظر سخت‌افزاری، محدودیت‌های تحمیلی دسترسی به فنّاوری‌های پیشرفتهٔ تحلیل ریسک و سیستم‌های نظارتی مدرن را به‌شدت کاهش داده است. مطالعات نشان می‌دهد محرومیت از سامانه‌های پرداخت بین‌المللی مانند سوئیفت، نه‌تنها مبادلات مالی را دشوار کرده، بلکه امکان ردیابی و نظارت مؤثر بر جریان‌های مالی بین‌المللی را نیز محدود ساخته است (آرنر[1] و همکاران، ۲۰۱۷). از دیدگاه نرم‌افزاری، این تحریم‌ها دسترسی به آخرین نسخه‌های نرم‌افزارهای تخصصی مبارزه با پول‌شویی و پایگاه‌های دادهٔ جهانی را غیرممکن یا بسیار پرهزینه کرده است. این وضعیت از منظر نظریهٔ وابستگی متقابل بین‌المللی، نمونهٔ بارزی از تأثیر سیاست‌گذاری جهانی بر توانمندی‌های نظارتی ملی است.

- کاهش همکاری بین‌المللی

وضعیت تعلیق ایران در گروه ویژهٔ اقدام مالی پیامدهای گسترده‌ای بر نظام مدیریت ریسک اشخاص دارای ریسک سیاسی داشته است. مهم‌ترین اثر این وضعیت محدودیت شدید در تبادل اطلاعات مالی با شبکه‌های بین‌المللی است که کارایی سازوکارهای شناسایی تراکنش‌های مشکوک را به‌شدت کاهش داده است. این انزوای بین‌المللی امکان دسترسی به سیستم‌های هشدار سریع و پایگاه‌های دادهٔ جهانی در مورد اشخاص پرریسک را محدود کرده است (افِ‌اِی‌تی‌اف، ۲۰۲۳). از دیدگاه نظریهٔ حکمرانی جهانی، این وضعیت نوعی چالش هماهنگی محسوب می‌شود که همکاری‌های فرامرزی را دچار اختلال کرده است. در سطح عملیاتی، این شرایط به افزایش هزینه‌های نظارتی و کاهش دقت در ارزیابی ریسک مشتریان بین‌المللی منجر شده است. تجربه نشان داده است که حتی در صورت وجود حسن‌نیت برای اجرای استانداردها، دسترسی‌نداشتن به شبکه‌های اطلاعاتی جهانی، اثربخشی اقدامات ملی را به‌شدت محدود می‌کند.

تحلیل جامع چالش‌های پیش رو نشان می‌دهد که بومی‌سازی موفق استانداردهای مدیریت ریسک اشخاص دارای ریسک سیاسی مستلزم اتخاذ راهبردهای چندبعدی و

[1] Arner

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

[DOI: 10.61882/jmbr.18.65.443]

هماهنگ است. در سطح مفهومی، رفع ابهامات موجود در تعریف تروریسم و مقاومت مشروع از طریق تدوین چهارچوب‌های حقوقی دقیق و قابل دفاع در عرصهٔ بین‌المللی ضروری است. در بعد ساختاری، توسعهٔ زیرساخت‌های داده‌ای پیشرفته با قابلیت تحلیل هوشمند تراکنش‌های مالی باید در اولویت قرارگیرد. از منظر نیروی انسانی، طراحی نظام جامع آموزش تخصصی برای کارشناسان نظارتی و بانکی می‌تواند شکاف مهارتی موجود را کاهش دهد. در عرصهٔ بین‌المللی، دیپلماسی فعال اقتصادی برای شکل‌دهی به اجماع جهانی دربارهٔ تفاوت‌های مفهومی و ایجاد سازوکارهای جایگزین همکاری ضروری است. تجارب کشورهای مشابه نشان می‌دهد که ترکیب این راهکارها در قالب یک برنامهٔ تحول جامع می‌تواند هم‌زمان با حفظ اصول و ارزش‌های ملی، کارایی نظام مدیریت ریسک اشخاص دارای ریسک سیاسی را به سطح استانداردهای جهانی نزدیک کند. این امر مستلزم عزم ملی، برنامه‌ریزی بلندمدت، و تخصیص منابع کافی در همهٔ سطوح است.

۴ راه‌حل‌ها و چهارچوب پیشنهادی مدیریت ریسک اشخاص دارای ریسک سیاسی با توجه به چالش تروریسم

۱.۴ طراحی نظام شناسایی پیشرفته

برای مدیریت مؤثر ریسک اشخاص دارای ریسک سیاسی، طراحی نظام شناسایی پیشرفته از اهمیت بالایی برخوردار است. این نظام می‌تواند با بهره‌گیری از فنّاوری‌های نوین مانند داده‌کاوی و هوش مصنوعی، دقت و سرعت شناسایی افراد پرریسک را افزایش دهد. همچنین، ایجاد یک بانک دادهٔ ملی پویا که اطلاعات جامعی از اشخاص دارای ریسک سیاسی و شبکهٔ ارتباطی آن‌ها را دربر داشته باشد، امکان رصد و نظارت مستمر را فراهم می‌کند. علاوه‌بر این، توسعهٔ شاخص‌های رفتاری و تحلیل شبکه‌ای می‌تواند به شناسایی نفوذهای غیررسمی و روابط پنهانی که ممکن است به سوءاستفاده از نظام مالی منجر شود، کمک کند. این رویکرد مبتنی بر فنّاوری نه‌تنها کارایی نظام نظارتی را بهبود می‌بخشد، بلکه هزینه‌های عملیاتی را نیز کاهش می‌دهد.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

[DOI: 10.61882/jmbr.18.65.443]

۲.۴ راهکارهای حقوقی و سیاستی

در حوزهٔ حقوقی و سیاستی، تدوین رژیم دوگانهٔ تطبیق[1] برای مراودات بین‌المللی بانکی یک راهکار عملیاتی است. این رژیم می‌تواند امکان تطابق با دستورالعمل‌های بین‌المللی مانند استانداردهای گروه ویژهٔ اقدام مالی را فراهم کند، بدون آنکه به سیاست داخلی در قبال گروه‌های مقاومت مشروع خدشه‌ای وارد شود. همچنین، جداسازی حساب‌ها و تراکنش‌های گروه‌های مقاومت و ایجاد یک بانک اطلاعاتی مستقل برای آن‌ها، به شفافیت بیشتر و جلوگیری از تداخل با تراکنش‌های بانکی معمول کمک می‌کند. از سوی دیگر، دیپلماسی فعال تبیینی و حقوقی در مجامع بین‌المللی برای تفکیک مشروعیت مقاومت از تروریسم، می‌تواند فشارهای بین‌المللی را کاهش دهد و فضای همکاری‌های مالی را بهبود بخشد.

۳.۴ اصلاح مقررات و توسعهٔ فنّاوری

اصلاح مقررات موجود و توسعهٔ فنّاوری‌های نظارتی از دیگر راهکارهای کلیدی است. بازنگری آیین‌نامه‌های بانکی و هماهنگ‌سازی آن‌ها با استانداردهای بین‌المللی، همراه با آموزش تخصصی نیروی انسانی، می‌تواند به ارتقای کیفیت نظارت کمک کند. همچنین، به‌کارگیری فنّاوری‌های نوین مانند سیستم‌های هشدار و رصد بلادرنگ، امکان شناسایی سریع رفتارهای پرریسک را فراهم می‌سازد. این اقدامات باید با شفاف‌سازی فرایندها و تعهد نهادی به استقلال نظارتی همراه باشد تا اثربخشی آن‌ها تضمین شود.

۴.۴ تقویت استقلال و هماهنگی نهادی

تقویت هماهنگی بین نهادهای نظارتی و استقلال عملی آن‌ها نیز از ضروریات مدیریت ریسک اشخاص دارای ریسک سیاسی است. ایجاد یک ساختار هماهنگ بین بانک مرکزی، واحد اطلاعات مالی، و دستگاه‌های ناظر می‌تواند از پراکندگی تصمیم‌گیری‌ها جلوگیری کند. این ساختار باید به‌گونه‌ای طراحی شود که ضمن حفظ استقلال نهادی، امکان تبادل اطلاعات و همکاری مؤثر بین بخش‌های مختلف را فراهم آورد. تعهد عملی به استقلال نظارتی و دوری از نفوذهای سیاسی، ازجملهٔ عوامل کلیدی در موفقیت این راهکار است.

---

[1] dual-compliance

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

[DOI: 10.61882/jmbr.18.65.443]

۵ نتیجه‌گیری و پیشنهادها

مدیریت ریسک اشخاص دارای ریسک سیاسی (PEPs) در نظام مالی ایران با چالش‌های متعددی روبه‌روست که ازجمله می‌توان به تفاوت تعاریف بین‌المللی و داخلی در مورد تروریسم و مقاومت مشروع، ضعف فنّاوری‌های نظارتی، پراکندگی مراجع ناظر، و محدودیت‌های ناشی از تحریم‌های بین‌المللی اشاره کرد. این چالش‌ها نه‌تنها اثربخشی نظام نظارتی را کاهش داده‌اند، بلکه به تعارض در اجرای استانداردهای جهانی و افزایش ریسک عملیاتی برای نظام مالی ایران منجر شده‌اند. برای غلبه بر این موانع، ترکیبی از راهبردهای فنّاورانه، حقوقی، و سیاسی ضروری است. در حوزهٔ فنّاوری، طراحی نظام شناسایی پیشرفتهٔ مبتنی بر داده‌کاوی و هوش مصنوعی، توسعهٔ بانک‌های اطلاعاتی یکپارچه، و به‌کارگیری سامانه‌های هوشمند نظارتی می‌تواند دقت و سرعت شناسایی افراد پرریسک را افزایش دهد. در بعد حقوقی، تدوین رژیم دوگانهٔ تطبیق برای مراودات بین‌المللی، جداسازی حساب‌های گروه‌های مقاومت، و تقویت دیپلماسی حقوقی برای تبیین تمایز میان تروریسم و مقاومت مشروع ازجملهٔ راهکارهای کلیدی هستند. همچنین، بازنگری مقررات داخلی و هماهنگ‌سازی آن‌ها با استانداردهای بین‌المللی، همراه با آموزش تخصصی نیروی انسانی، می‌تواند به ارتقای کیفیت نظارت کمک کند. از منظر نهادی، تقویت هماهنگی بین بانک مرکزی، واحد اطلاعات مالی، و دستگاه‌های ناظر، و همچنین تضمین استقلال عملیاتی آن‌ها از نفوذهای سیاسی، از ضروریات مدیریت مؤثر ریسک اشخاص دارای ریسک سیاسی است. علاوه‌بر این، توسعهٔ همکاری‌های بین‌المللی و دیپلماسی فعال برای کاهش فشارهای خارجی و دسترسی به شبکه‌های نظارتی جهانی نقش تعیین‌کننده‌ای در موفقیت این راهبردها دارد.

۵/۱ پیشنهاد برای پژوهش و سیاست‌گذاری آینده

۱) مدل‌سازی داده‌کاوی و تحلیل رفتاری: توسعهٔ مدل‌های پیشرفتهٔ مبتنی بر هوش مصنوعی برای شناسایی الگوهای رفتاری پرریسک و سناریوسازی تراکنش‌های مشکوک به‌منظور افزایش دقت نظارت.

۲) تدوین چهارچوب حقوقی ویژه: طراحی سازوکارهای حقوقی برای تفکیک دقیق تراکنش‌های حمایتی مشروع از موارد مشکوک از منظر بین‌المللی و ایجاد بانک اطلاعاتی مستقل برای گروه‌های مقاومت.

۳) تقویت دیپلماسی مالی: افزایش نقش ایران در مجامع بین‌المللی برای تبیین تفاوت‌های مفهومی میان تروریسم و مقاومت مشروع و کاهش چالش‌های ناشی از تحریم‌ها.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

[DOI: 10.61882/jmbr.18.65.443]

۴) مطالعات تطبیقی: بررسی تجارب کشورهای با چالش‌های مشابه و بومی‌سازی راهکارهای موفق آن‌ها در چهارچوب نظام مالی و سیاسی ایران.
۵) ارتقای فرهنگ سازمانی: توسعهٔ برنامه‌های آموزشی تخصصی برای کارکنان نهادهای نظارتی و بانکی به‌منظور افزایش حساسیت نسبت به ریسک‌های مرتبط با اشخاص دارای ریسک سیاسی و تقویت شفافیت مالی.

در نهایت، مدیریت ریسک اشخاص دارای ریسک سیاسی در ایران مستلزم عزم ملی، برنامه‌ریزی بلندمدت، و تخصیص منابع کافی در تمام سطوح است. تنها با اتخاذ رویکردی جامع و هماهنگ می‌توان به نظام مالی شفاف، پایدار، و مقاوم در برابر چالش‌های داخلی و بین‌المللی دست یافت.

فهرست منابع

بیانیهٔ گام دوم انقلاب اسلامی (۱۳۹۷).

Alexander, C. (2023). *Market Risk Analysis* (Vols. 1–4). Wiley.

Arner, D. W., Barberis, J., & Buckley, R. P. (2017). Fintech and regtech: Impact on regulators and banks. Journal of Banking Regulation, 19(3), 1–14. https://doi.org/10.1057/s41261-017-0034-3

Bank for International Settlements. (2019, 2021). Sound management of risks related to money laundering and financing of terrorism. Basel Committee on Banking Supervision. https://www.bis.org/bcbs/publ/d505.htm

Basel Institute on Governance. (2022). PEPs and anti-money laundering compliance. Basel Institute on Governance. https://baselgovernance.org/

Bremmer, I., & Keat, P. (2009). The fat tail: The power of political knowledge for strategic investing. Oxford University Press.

Deloitte. (2023, 2024). The evolving role of AI in financial risk. Deloitte Insights. https://www.deloitte.com/

Financial Action Task Force (FATF). (2013, 2023). Guidance on politically exposed persons (PEPs). FATF-GAFI. https://www.fatf-gafi.org/

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

[DOI: 10.61882/jmbr.18.65.443]

Glasserman, P., & Young, H. P. (2016). Contagion in financial networks. Journal of Economic Literature, 54(3), 779–831. https://doi.org/10.1257/jel.20151228

International Organization for Standardization (ISO). (2018). ISO 31000: Risk management — Guidelines. ISO. https://www.iso.org/standard/65694.html

Jara-Bertin, M., Lopez-Iturriaga, F. J., & Sobrino, M. M. (2022). Politically connected banks: A review and future agenda. Journal of Banking & Finance, 143, 106579. https://doi.org/10.1016/j.jbankfin.2022.106579

King, R. G., & Levine, R. (2023). Finance and growth: Schumpeter might be right. Quarterly Journal of Economics, 138(2), 717–754. https://doi.org/10.1093/qje/qjad034

Levi, M., & Reuter, P. (2022). Money laundering. Annual Review of Criminology, 5(1), 1–20. https://doi.org/10.1146/annurev-criminol-030920-040423

Linsley, P. M., & Shrives, P. J. (2006). Risk reporting: A study of risk disclosures in the annual reports of UK companies. The British Accounting Review, 38(4), 387–404. https://doi.org/10.1016/j.bar.2006.05.002

McKinsey & Company. (2021). Advanced analytics in financial crime detection. McKinsey & Company. https://www.mckinsey.com/

Power, M. (2007). Organized uncertainty: Designing a world of risk management. Oxford University Press.

PricewaterhouseCoopers (PwC). (2022). Risk in review: Defining the agenda. PwC. https://www.pwc.com/

Risk and Insurance Management Society (RIMS). (2022). State of risk management report. RIMS. https://www.rims.org/

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

[DOI: 10.61882/jmbr.18.65.443]

World Bank. (2023). Regulatory sandboxes and their role. World Bank. https://www.worldbank.org/

Zucman, G. (2015). The hidden wealth of nations: The scourge of tax havens. University of Chicago Press.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

[DOI: 10.61882/jmbr.18.65.443]

Journal of Monetary & Banking Research
Vol.18, No. 65, Autumn 2025
pages 443-457

Risk Management of Politically Exposed Persons (PEPs) in Iran's Financial System: Frameworks, Challenges, and Localized Solutions

Farshad Heidari[1] Abbas Toloei Ashlaghi[2]
Mohammad Reza Setayesh [3] Mehdi Madanchi Zaj[4]
Afsane Zamani Moghadam[5]

Received: 12-Aug -2025 Accepted: 16-Sep-2025

Abstract

The "Statement on the Second Step of the Islamic Revolution" and recent regulatory developments have underscored the heightened necessity for establishing robust systems for the identification and effective risk management of political risk, particularly with respect to Politically Exposed Persons (PEPs) in Iran. This article, adopting a review method and critical analysis of the literature, elucidates the theoretical concepts of risk, political risk, and the position of (PEPs). It further presents global risk management frameworks (FATF, Basel, OECD), critically examines the mismatch between these frameworks and Iran's politico-economic structure, and

[1] PhD student, Financial Engineering, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. farshad.heidari@iau.ac.ir

[2] Management Department, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, (Corresponding author); toloie@iau.ac.ir

[3] Accounting Department, Borujerd Branch, Islamic Azad University, Borujerd, Iran; setayesh_m_r@iau.ac.ir

[4]Management Department, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran; ma.madanchi@iau.ac.ir

[5] Management Department, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran; a.zamanimoghadam@iau.ac.ir

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

[DOI: 10.61882/jmbr.18.65.443]

addresses the specific challenge concerning "the divergence in the definition of terrorism and the legitimacy of resistance from the perspectives of Iran and international organizations." Ultimately, the paper proposes strategic recommendations and a conceptual model for the identification, prevention, and control of (PEPs) risk in Iran's financial system. The findings indicate that effective management of this risk necessitates advanced identification systems, regulatory transparency, and institutional capacity-building. Full realization of these objectives depends on resolving international legal and political issues and strengthening the independence of financial institutions.

Keywords: Political Risk; Politically Exposed Persons (Peps); Financial Risk Management; FATF; Terrorism and Resistance; Iranian Banking
JEL Classification: D73, G28, G38, K42

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

[DOI: 10.61882/jmbr.18.65.443]